



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور - 27 / آبان / 1371

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به همه‌ی برادران و خواهران بسیجی عزیز، به مناسبت شرکت در این اجتماع و مراسم این هفته، خوشامد عرض می‌کنم و امیدوارم خداوند متعال، شما جوانان عزیز و مؤمن را مشمول برکات خاصی خود قرار دهد.

درباره‌ی بسیج و این هفته، چند مطلب اصلی هست. يك مطلب درباره‌ی خود بسیج است؛ که در حقیقت بسیج عظیم ملت ایران، مظهر شخصیت ذاتی و ملی آن است. چون بسیج به این معناست که جوانان ملت و عناصر کاری ملت، در میدانهای سخت، احساس کنند که به امید خدا و با توکل بر او، دارای چنان قدرت و توانایی هستند که می‌توانند در مقابل دشمنان بایستند. این، معنای بسیج است. وقتی که بسیج را با نظر تحلیلی و دقیق نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که میدان نبرد نظامی، تنها میدان حضور بسیج نبود. این، کار خدا بود که بسیج ملت ایران بتواند در سخت‌ترین میدانها که همان میدان جنگ است، چنان قدرتی از خود نشان دهد که دیرباورترین افراد هم قبول کنند که ملت ایران دارای توانایی است.

دشمنان در طول سالهای متمادی، خیلی زحمت کشیده‌اند تا به ما ملت بفهمانند و بیاوراند که قادر نیستیم از خودمان دفاع کنیم؛ قادر نیستیم شخصیت خودمان را نشان بدهیم و قادر نیستیم در معادلات جهانی، نقش ایفا کنیم. اقلای یکی دو قرن، تلاش استعمار این بود که ایرانی را از صحنه‌ی فعالیت همه جانبه‌ی جهانی خارج کند. وقتی انقلاب پیروز شد و همه‌ی دنیا فهمیدند که ملت ایران دارای چنان قدرتی است که می‌تواند يك نظام ظالم و فاسد را کنار بزند و در مقابل خطرات این کار، که مسأله‌ی جنگ بود، با قدرت بایستد؛ در حقیقت شخصیت ملت ایران آشکار شد. و این، به برکت بسیج بود. نیروهای مردمی بودند که در صحنه‌های جنگ توانستند دشوارترین کارها را انجام دهند. و اگر نبودند، بی‌شک سرنوشت جنگ طور دیگری می‌شد.

این، سخت‌ترین میدانها بود. در حقیقت بسیج می‌تواند در میدان سازندگی هم محور باشد و در میدان علم، مقدم بر دیگران قرار گیرد. بسیج در همه جای کشور حضور دارد. بسیج در دانشگاه، در حوزه، در بین متخصصین، در دستگاههای علمی، در میان روحانیون، در روستاها، در شهرها و در طبقات مختلف حضور و نمود دارد و نشان داده است که در حقیقت نمونه‌ی کامل ملت ایران است. شاید بشود گفت که در میان یادگارهای ارزشمند باقی مانده از امام عزیز و عظیم القدر ما، یادگاری که از همه بیشتر گسترش دارد، بسیج است. عظیمترین و ماندگارترین یادگار آن بزرگوار، همین بسیج مردمی است که در همه جا حضور دارد؛ در همه‌ی فعالیتها می‌تواند پیشرو باشد و روحیه‌ی بسیجی را نشان دهد. باید هم همین طور باشد. خیلها می‌خواستند بعد از تمام شدن جنگ، چنین وانمود کنند که بسیج تمام شد. این، يك تلقین شیطانی بود، که شاید دستهای دشمن هم در آن بی‌تأثیر نبود. اما من عرض می‌کنم که بسیج تمام شدنی نیست. بسیج باید روزبه‌روز توسعه پیدا کند و قوی شود. روحیه‌ی بسیجی و معرفت بسیجی باید فراگیر شود، تا این کشور بتواند بار سنگینی را که بردوش دارد - که همان بار هدایت الهی و سعادت انسانهاست - به سر منزل برساند. لذا، بسیج، تمام شدنی نیست.

نکته‌ی بعدی این است که بسیج عظیم ملت ایران، دارای خصوصیتی است. در همه‌ی جای دنیا و در قضایای سخت، آن



جاهایی که دولتهای مردمی باشند، آحاد مردم، بخصوص در جنگها به کمک دولتها می‌روند. این را در تاریخ دیده‌ایم. اما این بسیج، با حضور مردم در جاهای دیگر و کشورهای دیگر، فرقهایی دارد. يك ویژگی این است که در بسیج ملت ایران، مایه‌ی اصلی، ارتباط با خداست. جوان بسیجی یا هر قشری از قشرهای آن؛ یعنی مرد و زن و پیر و جوان بسیجی، دارای يك ارتباط معنوی و صمیمی با خداست. این، مایه‌ی اصلی کار است. آن عاملی که موجب می‌شود انسان در میدانها خسته نشود، یاد خداست. آن نیرویی که انسان را در مقابل همه‌ی قدرتها با قوت کامل نگه می‌دارد، توکل به خداست. اگر توکل و اعتماد به خدا و ارتباط با خدا بود، حرکت مردمی و بسیجی، حرکتی پایدار و ماندگار خواهد بود. و اگر نبود، يك هیجان و اشتعال در برهه‌ای از زمان پیدا می‌شود، ولی باقی نمی‌ماند و از بین می‌رود. شما اگر نگاه کنید، در دنیا کشوری را با خصوصیات کشور ایران پیدا نخواهید کرد که توانسته باشد در مقابل آن همه دشمن بایستد، بر آنها غالب شود، موانع را بردارد، راه خود را بگشاید، و در جهت اهداف خود حرکت کند. غالباً در کشورها، در انقلابها و در حرکتهاى عمومی، به خاطر فشارها و معامله‌گریها، انحراف پیدا شده است. آن چیزی که تا امروز، این حرکت را در ایران اسلامی این‌طور مستقیم به سمت هدف هدایت کرده است، همین ایمان شما، ارتباطتان با خدا و روحیه‌ی دعا و تضرعی است که در نیروهای بسیجی ما وجود دارد. این، همان دعای کمیلی است که شما مقید بودید و هستید بخوانید. این، همان نماز جمعه‌های شماست. این، همان توسلات و توجهات شما به ائمه علیهم‌السلام است. و این پیوند و رابطه‌ی معنوی است که همه چیز را حفظ کرده است. این، يك خصوصیت است که در جاهای دیگر نیست، و باید آن را حفظ کنید.

مطلب بعد این است که اساس بسیج در جمهوری اسلامی، بر آگاهی است. در این جا نظام جمهوری اسلامی هرگز نخواست است عده‌ای بیایند و چشم‌هایشان را ببندند و با اطاعت کورکورانه و بی‌خبر از آنچه که اتفاق می‌افتد، به میدان بروند و اسلحه‌ها را بکشند و بنای جنگیدن بگذارند. این را ما نخواستیم. جمهوری اسلامی و امام این جمهوری - رضوان و رحمت خدا بر او - عکس این حرکت کردند. ملت ما با آگاهی راه‌افتاد، میدان را انتخاب کرد و در آن میدان جنگید. کسانی که در جبهه‌های نبرد، در هشت سال جنگ تحمیلی و قبل از آن و مقداری بعد از آن ایستادند و جنگیدند، علی‌بصیرت جنگیدند. فهمیدند که چه می‌کنند، با چه کسی می‌جنگند، چرا می‌جنگند و از چه دفاع می‌کنند. جوانان بسیجی ما، اگر شهری بودند، اگر روستایی بودند، اگر علی‌الظاهر مدرک تحصیلی نداشتند، اگر دانشگاهی نبودند، اگر متخصص عالی‌رتبه نبودند - هر که بودند - مکرر در مکرر از زبان‌شان شنیدیم که «ما برای خاک نمی‌جنگیم؛ ما برای يك وجب زمین نمی‌جنگیم؛ ما برای اهداف و آرمانهایمان می‌جنگیم.» این، همان معرفت است.

من می‌خواهم عرض کنم: جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید، این بصیرت را روزبه‌روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرت‌ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد. دشمن سعی می‌کند آرزوهای انقلابی را در نظر يك ملت مؤمن، کوچک کند. سعی می‌کند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادی هم نیاز است، اما از جان که بالاتر نیست! ملتی که در راه خدا، جان برایش نثار کردنی است، آن جایی که میدان مبارزه با دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟! شما الان نگاه کنید! سیاستهای امروز و دیروز دنیا را مشاهده کنید! ببینید چه هنگام بوده است که علیه این نظام مقدس اسلامی، توطئه‌هایی در آستین استکبار و استبداد جهانی نباشد؟ آنها از شیوع اسلام می‌ترسند. علناً اظهار می‌کنند که احساسات انقلابی اسلامی، در کشورهای اسلامی رو به گسترش است. خود ما هم این را می‌بینیم. این، يك واقعیت است. امروز ملت ایران يك ملت منزوی



نیست. به کشورهای گوناگون در دنیا، مثلاً به قلب اروپا نگاه کنید و از کسانی که به آن جا رفته‌اند بپرسید و بشنوید که چطور ملتی مثل ملت بوسنی هرزگوین که در محاصره‌ی دشمنان انسانیت قرار گرفته است، به نام شما جوانان ایرانی، شعار می‌دهد و چطور از شما، در بستن پیشانی‌بندها تقلید می‌کند! ببینید چطور احساس کرده است که راه، آن راهی است که شما رفتید و باید همان راه را برود تا دشمن را شکست دهد! این، احساسات اسلامی است که روزه‌روز گسترش پیدا می‌کند. کانون این احساسات، همین کشور مقدس اسلامی شما بود و الان هم هست. از این روست که استکبار، به طور مداوم برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه‌هایش هم برنامه‌هایی است که انسان اگر با بصیرت نگاه کند، می‌تواند آنها را بشناسد.

من احساس می‌کنم امروز سیاستهای امریکا، برای این که مشکل خود را با کشورهای عربی و مسأله‌ی فلسطین حل کند، بر این است که به دولتهای عرب منطقه این‌طور حالی کند که «اگر می‌خواهید با کسی یا جایی دشمنی کنید، آن، اسرائیل نباید باشد. بروید سراغ ایران!» بر این است که به آنها حالی کند «ما - که امریکا باشیم - از شما کشورهای منطقه حمایت می‌کنیم؛ مشروط بر این که جبهه‌ی خود را به طرف ایران بکشایید و دیگر با اسرائیل کاری نداشته باشید!» سیاست جدید حکومت امریکا، حمایت از صهیونیستهای غاصب است. برای حفظ اعراب منطقه هم، راهش این است که به اعراب منطقه، چنین تفهیم کنند که «اگر سلاح می‌خواهید، اگر حمایت می‌خواهید، اگر کمک می‌خواهید، دیگر نباید با اسرائیل کاری داشته باشید. بروید و مسأله‌تان را با اسرائیل حل کنید. اگر می‌خواهید با کسی مبارزه کنید، معارضه کنید، تعارض لفظی داشته باشید، تبلیغات منفی داشته باشید؛ بروید سراغ جمهوری اسلامی و با آن مبارزه کنید!» طبق آنچه که از قرائن فهمیده می‌شود، این سیاست آینده‌ی امریکاست. البته، برای ملت ایران، بعد از تجربه‌های چهارده‌ساله، این تهدیدها بی‌ارزش است. آن روزی که امریکا و شوروی علیه جمهوری اسلامی با یکدیگر همدست بودند، این ملت ایستاد و با کمال قدرت مبارزه کرد. چه وقت بوده است که دو قدرت - آن روزی که در سطح جهان بودند - علیه جمهوری اسلامی با یکدیگر همدست نبوده باشند؟! آن وقتی که امریکا و شوروی با یکدیگر همدست بودند، کشورهای مرتجع طرفدار امریکا هم، چه در کمک به عراق و چه در شکل‌های دیگر، مقابل جمهوری اسلامی ایستادند و معارضه کردند و جمهوری اسلامی هم، با قدرت ایستاد. این ملت آن روز از تهدیدها نترسید؛ امروز که جای خود دارد!

این که حالا چند دولت و کشور را از این طرف و آن طرف دنیا وادار کنند که رادیوهایشان را علیه جمهوری اسلامی تجهیز کنند، برای ما اهمیتی ندارد. این ملت، ملتی قوی است. این ملت، ملت پولادینی است. این ملت، ملت مجربی است. مسؤولینی که امروز بر این مملکت خدمت و حکومت می‌کنند، کسانی هستند که امواج چهارده، پانزده ساله را از سر گذرانده‌اند. اینها که از چیزی نمی‌ترسند! نگرانی من از این است که مبدا دولتهای عرب منطقه، فریب امریکا را بخورند. آنها باید به فکر خودشان باشند. دولتهای عرب منطقه اگر به این نصیحت شیطانی امریکا گوش فرادهند، فاصله‌ی خودشان را با ملتهای خودشان، باز هم زیادتر می‌کنند. ملتها با ما هستند، ملتها با اسلامند، و به نام جمهوری اسلامی شعار می‌دهند. شما ببینید در کشور مصر، یک عده جوان مسلمان، یک عده مردم مسلمان، می‌ایستند و شعار اسلامی می‌دهند و هیچ ارتباطی هم برحسب ارتباطات معمولی انسانی، بین آنها و مردم ما نیست. اما به قدری شعارهای آنها به شعارهای ما نزدیک است، که رئیس جمهور بدبخت روسیاهشان می‌گوید «اینها از طرف ایران تحریک شده‌اند!» ما چه ارتباطی با آنها داریم؟ آنها مسلمانند. خود آنها شعار قرآن می‌دهند. خود آنها هستند که احساس می‌کنند باید در راه خدا حرف بزنند، فریاد بکشند و حرکت کنند؛ مثل همان فریادی که ملت ایران در دوران طاغوت علیه امریکا و علیه استکبار و استبداد جهانی کشید و باز هم می‌کشد.



ملتها دلشان با جمهوری اسلامی است و افرادی غافل و روسیاه، خیال می‌کنند که اینها تحریک شده‌ی ایرانند. چه تحریکی؟! ما چه کار داریم که ملت‌های دیگر را تحریک کنیم؟ ما شعار اسلام می‌دهیم؛ ما پرچم اسلام را بلند می‌کنیم، و هر کس که در دلش شعله‌ی اسلام هست، به طور طبیعی دور این پرچم جمع می‌شود. ما چه وقت رفتیم در بوسنی هرزگوین تبلیغ جمهوری اسلامی را بکنیم؟ ببینید آن‌جا پرچم جمهوری اسلامی چقدر عزیز است! هر جا که ملتی به نام اسلام سربلند کرد و زبان باز کرد، بلاشک بدانید آن‌جا نام ملت ایران، نام عزیز و محترمی است. این، خاصیت مبارزه‌ی شماس است. این، خاصیت جهاد و فداکاری شماس است. و این، خاصیت همان روحیه‌ی بسیجی شماس است. موضوع این است!

بصیر باشید در شناسایی دشمن. بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن. ببینید دشمن چطور می‌خواهد جمهوری اسلامی را در سطح جهان بد معرفی کند، یا با شکل‌های غلط معرفی کند! البته موفق که نمی‌شود. تبلیغات دشمن، انصافاً تبلیغات حساب‌شده‌ای است. این را باید قبول کنیم. پول خرج می‌کنند؛ میلیاردها دلار خرج می‌کنند، برای این که بتوانند حرفی را جعل کنند که وقتی این حرف بر بال امواج رادیوهایشان قرار گرفت و با یکی دو واسطه به گوش فردی از ملت ایران رسید، در دل او اثر کند. چقدر دروغ‌ها همین‌طور درست کردند! اینها متخصصینی برای این طور کارها دارند. لذا هدفشان را باید فهمید. هدف آنها این است که ما را از اسلام جدا کنند؛ ملت را از مسؤولین جدا کنند؛ ملت را از انقلاب دلسرد کنند؛ ملت را از آینده‌ی جهاد و دفاعش ناامید کنند؛ ملت را از میدان و مرکز صحنه‌ی مبارزه عقب بزنند. البته باید بدانند که هرگز در این خواست‌ها، موفق نخواهند شد.

مطلب بعدی و مطلب آخر، مربوط به خود شما بسیجیان عزیز است. قرآن به ما می‌گوید: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون (37)». یعنی سست نشوید، غمگین نشوید، شما بالاتر از دیگران هستید. به دنبال این جمله، قیدی دارد: «ان کنتم مؤمنین»؛ اگر مؤمن باشید. همه‌ی این حرف‌هایی که زدیم، مربوط به آن وقتی است که رابطه‌ی ما با خدا خوب باشد؛ مربوط به آن وقتی است که شما جوانان عزیز، با تقوا باشید؛ مربوط به آن وقتی است که شما زن و مرد، سعی کنید دینتان را حفظ کنید؛ در مقابل جاذبه‌های گناه، تسلیم نشوید و در مقابل وسوسه‌ی شیطان، مقاومت کنید. شما می‌توانید و امتحان کردیم که شما می‌توانید. بالاترین وسوسه‌های شیطان، وسوسه‌ی حفظ نفس است. چقدر شما در زیر گلوله‌باران‌های پی‌درپی دشمن و آتش‌های انبوهی که دشمن، در جنگ بر سرتان می‌ریخت، جلو رفتید و نترسیدید! پیکر مطهر و مبارک رفیقتان را دیدید که پهلوی شما افتاد و شهید شد، اما شما جلو رفتید. شیطان در این جاها وسوسه‌ی بسیار قوی‌ای دارد. شیطان می‌ترساند؛ «پخوف (38) اولیائه». اما نتوانست شما را بترساند. نتوانست شما را در قبضه و تصرف خود بگیرد و در مقابل گناه هم نخواهد توانست.

بدانید امروز یکی از سلاح‌های دشمنانی که مرگ بر آنها می‌گویید، این است که در مقابل جوانان ما دانه پیاشند - دانه‌ی گناه، دانه‌ی جاذبه‌های گناه، جاذبه‌های فساد - تا بلکه بتوانند آنها را جذب کنند. نفس قوی باید بایستد و تسلیم این جاذبه‌ها نشود. مراقب باشید! جوانان بسیجی ما مؤمنند، مطهرند، پاکند. اما ممکن است در میان آنها افرادی پیدا شوند که روح قوی نداشته باشند و تسلیم ترفند دشمن و شیطان گردند. این‌جا، تقوا به درد می‌خورد. تقوا یعنی این که دایم مراقب خودمان باشیم و نگذاریم که اشتباه کنیم. یکی از سلاح‌های ما، دعاست؛ «لا یملك الا الدعاء. (39)» ما دعا را داریم؛ سلاح دعا را داریم؛ سلاح تضرع را داریم و سلاح بکاء را داریم. ما از ترس، هیچ وقت گریه نمی‌کنیم. از هیچ کس و هیچ قدرتی در دنیا نمی‌ترسیم. اما بزرگترین افتخار برای یک انسان مؤمن این است



که در مقابل عظمت خدای خود، اشک بریزد؛ به حال خود گریه کند؛ بر گناهان خود و بر عمری که در گناه گذشته است، تأسف بخورد.

پیش خدا تضرع کنید و همه چیز را با تضرع، از خدا بخواهید. این بازوی قوی، این اراده‌ی نیرومند و پولادین، با دعاست که کارایی پیدا خواهد کرد. در میدان جنگ هم، پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین علیهما السلام دعا کردند و با تضرع از خدای متعال خواستند. امام عزیز ما هم در جنگ دعا می‌کرد. دل ما به دعا‌های آن بزرگوار و دعا‌های مؤمنین و صالحین، قرص بود. دعاها را رها نکنید. همه چیز را با دعا بخواهید. ما برای مردم محروم و مظلوم بوسنی هرزگوین، هرچه از دستمان برآید، کمک می‌کنیم. کمک کردیم و باز هم می‌کنیم. اما من می‌گویم: برایشان دعا هم بکنید. دعاهم باید کرد. انسان با تضرع و از اعماق دل می‌تواند برای آنها دعا کند.

خودسازی باید بکنید. مساجد را رها نکنید. نیروی مقاومت بسیج، بهترین جایی که دارد، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگه دارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید - که بحمدالله هستید - و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت، نماز را به جماعت، پشت سر پیشنماز هر مسجدی که در آن هستید، بخوانید. در مراسم دینی مسجد و تبلیغات آن شرکت کنید. در مراسم دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت کنید. شما و امام جماعت آن مسجد - هر کس که هست - مشترکاً مسجد را حفظ کنید. برای مسجد، جاذبه درست کنید تا بچه‌ها، جوانان و زن و مرد محله، مجذوب مسجدی شوند که شما در آن هستید و بیایند. مسجد، پایگاه بسیار مهمی است.

آخرین نکته این که، به خدای متعال، با همه‌ی وجودتان توکل کنید. من با همه‌ی وجود و با همه‌ی قلب عرض می‌کنم: بدانید که اگر قدرت امریکا و همه‌ی قدرتهای مادی عالم دست به دست هم بدهند و بخواهند با وجود بسیجیان مؤمن ما، این نظام اسلامی را شکست دهند، واللّه قادر نخواهند بود.

مسئولین عزیز کشور هم، قدر بسیجیها را بدانند. بحمدالله خودشان هم بسیجی هستند. رئیس جمهور عزیز ما، یک بسیجی است؛ بسیجی میدان جنگ دیده، خطر کشیده، کتک خورده‌ی انقلاب و یک بسیجی حقیقی. بقیه‌ی مسئولین هم، بحمدالله هر یک، کم و بیش حظ و سهمی از بسیجی و بسیجی‌گری دارند.

قدر بسیجیها را باید بدانند. در داخل هر دستگاه و هر وزارتخانه‌ای، آن انسانی را که دارای روحیه‌ی بسیجی است، باید عزیز بشمارند. در دستگاههای گوناگون دولتی، کسی که دارای روحیه‌ی بسیجی است؛ متخصص بسیجی، پزشک بسیجی، دانشجوی بسیجی، روحانی بسیجی، مدیر بسیجی، کارمند بسیجی، هر جایی که هست، بایستی عزیز و گرامی داشته شود. با این وضعیت، به فضل پروردگار، این یادگار عزیز امام امت، همیشه برای این ملت خواهد ماند و برکات خود را به این ملت خواهد داد.

امیدوارم که خداوند به همه‌ی شما کمک کند و نور هدایت را در دل‌های شما قرار دهد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



(37) آل عمران: 139.

(38) اِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَآءَهُ: آل عمران / 175

(39) يَا سَرِيعَ الرَّضَا اغْفِرْ لِمَن لَّا يَمْلِكُ اِلَّا اِدْعَا ... / مفاتيح الجنان: دعای کمیل.